

# امکان سنجی بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در نظام حقوقی ایران

(مقاله علمی - پژوهشی)

سمانه رحمتی‌فر\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

## چکیده

بودجه از منظر جنسیت خنثی نیست و بر زنان و مردان تأثیرات متفاوتی می‌گذارد. هدف پژوهش، سنجش امکان‌پذیری اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در چارچوب حقوق عمومی ایران است. از طریق بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، سهم زنان از درآمد عمومی و تبعاً میزان فرصت آنان برای مشارکت عمومی، ارزیابی می‌شود و ابزاری در اختیار دولت می‌گذارد تا برابری جنسیتی را محقق سازد و شکاف جنسیتی را پر کند. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، تأثیر بندهای بودجه و در واقع سیاست‌ها و برنامه‌های دولت را بر زنان در مقایسه با مردان می‌سنجد. در این پژوهش، به روش جزئی و رویکرد تطبیقی، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، به مثابه یک روش تحلیل بودجه، تبیین و زمینه‌ها و لوازم اجرای آن در حقوق ایران بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد با توجه به اینکه در حقوق ایران پیش‌شرط بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، یعنی به رسمیت شناخته‌شدن برابری جنسیتی، تا حدی فراهم است، اگر دولت اراده سیاسی لازم را برای برقراری برابری جنسیتی داشته باشد، می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود و تجربیات دیگر کشورها و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی، آن را اجرا و در قانون بودجه سالانه کل کشور بگنجانند. از جمله ظرفیت‌های موجود، نهاد معاونت زنان و امور خانواده رئیس‌جمهور و پیوست شماره چهار قانون بودجه (بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد) است.

## کلید واژگان:

قانون بودجه، برابری جنسیتی، حکمرانی خوب، جریان‌سازی جنسیتی، شکاف جنسیتی

\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.  
S.rahmatifar@gmail.com

### مقدمه

قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، همه دستگاه‌های اجرایی را موظف به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی، به‌منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار و متوازن کرده است. اصطلاح «عدالت جنسیتی»، میزان مشارکت و بهره‌مندی زنان از حقوق و فرصت‌ها را در مقایسه با مردان می‌سنجد. از جمله ابزارهای عینیت‌بخشی به عدالت جنسیتی، بودجه است. یکی از دغدغه‌های علوم انسانی و از جمله حقوق، کمی‌سازی مفاهیم کیفی است. اگر نتوان مفاهیمی مانند برابری را با عدد و رقم سنجید، در حد شعار و ادعای سیاسی باقی می‌ماند. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت ابزار سنجش برابری جنسیتی است. به‌رغم تاریخچه حدوداً سی‌ساله بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، نه‌تنها در نظام حقوقی ایران که در ادبیات حقوقی و حتی پژوهش‌های دیگر شاخه‌های علوم انسانی نیز تاکنون کمتر مطرح شده است و این پژوهش از نخستین تلاش‌ها برای تبیین آن از منظر حقوقی محسوب می‌شود.

هدف اصلی پژوهش، سنجش امکان بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در حقوق ایران است. اهداف فرعی عبارت‌اند از تبیین منظور از بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت و مفاهیم هم‌مرز آن، بررسی تاریخچه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت و رویه عملی چند کشوری که آن را تجربه کرده‌اند. پرسش اصلی این است که آیا نظام حقوقی ایران به‌طور بالقوه امکان اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را دارد؟ فرضیه این است که در فرض وجود اراده سیاسی، نظام حقوقی ایران، ظرفیت فراهم کردن شرایط لازم برای تحلیل جنسیتی بودجه را دارد.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع دگماتیستی یا جزمی با رویکرد تطبیقی است. ابتدا با بررسی منابع رسمی موجود، عمدتاً پژوهش‌های اتحادیه اروپا و دفتر زنان ملل متحد، مفاهیم مرتبط با حوزه پژوهش تعریف می‌شود و اهداف، فواید و ابزارهای لازم برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت شناسایی می‌شود؛ سپس، تاریخچه آن توصیف می‌شود؛ در ادامه، رویه عملی کشورهایی که بودجه سالانه خود را تحلیل جنسیتی می‌کنند، مرور می‌شود تا نهایتاً نتایجی برای نظام حقوقی ایران به دست می‌آید.

لازم به اشاره است که به‌جای اصطلاح بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، تحلیل جنسیتی بودجه، بودجه‌ریزی جنسیتی<sup>۱</sup> و بودجه زنان<sup>۲</sup> نیز به کار می‌رود.<sup>۳</sup> در آثار علمی نویسندگان افغانستان، بودجه جنسیت‌محور ترجمه شده و ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح، بودجه‌بندی حساس به جنسیت است. از این میان، به‌رغم دقیق‌تر بودن تحلیل جنسیتی بودجه، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت انتخاب شده، چون به ادبیات مالیه عمومی ایران نزدیک‌تر است.

## ۱. ادبیات پژوهش

در این بخش، علاوه بر بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت و مفاهیم هم‌مرز با آن، شامل شکاف جنسیتی، جریان‌سازی جنسیتی و حکمرانی خوب بررسی می‌شود.

– جریان‌سازی جنسیتی<sup>۴</sup>: این اصلاح اولین بار در دستورالعمل پکن در ۱۹۹۵ به کار رفت. منظور از آن، ارزیابی تمام تصمیمات و اقدامات دولت، از جمله سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌ها، در تمام موضوعات و در سطح فراملی، ملی و فروملی از دریچه تأثیر متفاوت آن‌ها بر زنان و مردان و اقلیت‌های جنسیتی و هدف نهایی آن رسیدن به برابری جنسیتی است.<sup>۵</sup> بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، جزئی از برنامه کلان‌تر جریان‌سازی جنسیتی است<sup>۶</sup> و به‌طور مستقل اجرا نمی‌شود.

– شکاف جنسیتی: شکاف جنسیتی، نابرابری میان زنان و مردان در حوزه‌های گوناگون از جمله در اقتصاد است؛ به‌نحوی که دسترسی و حتی تمایل آنان در رسیدن به اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار دهد. منظور از شکاف جنسیتی اقتصادی، نابرابری زنان و مردان در بازار کار و دسترسی محدود زنان به حقوق و دارایی‌هایشان است.<sup>۷</sup> نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که سیاست‌های

1. Gender Budgeting

2. Women's Budget

3. COE. *Gender budgeting Final report of the Group of specialists on gender budgeting (EG-S-GB)*, Strasbourg: Directorate General of Human Rights. 2005: 10.

4. Gender Mainstreaming

5. ECOSOC. "Mainstreaming the Gender Perspective into All Policies and Programmes in the United Nations System", A/52/3/Rev. 1, 1997.

6. UN, *Gender Mainstreaming an Overview*, New York: Office of the Special Adviser on Gender Issues and Advancement of Women, 1<sup>st</sup> ed. 2002: vi.

7. Wallisch, J. and Wozniak, B. "United in Diversity: Consequences for Common labor market Policies in the Time of Crisis", in *The Economic Crisis in Social and Institutional*→

اقتصادی نولیبرالی و سیاست‌های اقتصادی ریاضتی، منجر به وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی زنان و تشدید شکاف جنسیتی می‌شود. بودجه، مهم‌ترین ابزار تعدیل انواع شکاف، از جمله شکاف جنسیتی است<sup>۱</sup> و در دستورالعمل پکن نیز بر این موضوع تأکید شده است.<sup>۲</sup> برای مثال، بدون تحلیل جنسیتی به نظر می‌رسد کاهش مالیات دهک‌های بالای درآمدی یا افزایش حداقل دستمزد، دو اقدام از لحاظ جنسیتی خنثی هستند؛ ولی تحلیل جنسیتی ثابت می‌کند که با توجه به شکاف میان درآمد زنان و مردان، کاهش مالیات دهک‌های بالا برای مردان مثبت‌تر است و افزایش حداقل دستمزد بیشتر بر معیشت زنان تأثیر دارد؛ به عبارت دیگر، اقدام نخست منجر به تعمیق شکاف جنسیتی می‌شود و اقدام دوم آن را تعدیل می‌کند.<sup>۳</sup>

## ۲. مفهوم‌سازی بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت

نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار و دفتر زنان ملل متحد، برای مقابله با تبعیض جنسیتی، ابزار بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را طراحی کرده‌اند. آنان به دنبال اختصاص بندی در بودجه برای زنان و افزایش سهمشان از درآمدهای عمومی نیستند. هدف تجزیه و تحلیل بودجه به قصد شناسایی درآمدها و هزینه‌هایی است که به تداوم نابرابری جنسیتی می‌انجامد.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت این موضوع را بررسی می‌کند که آیا بودجه، به تبع برنامه‌ها و سیاست‌های دولت، نیازها و منافع زنان و مردان را به یکسان تأمین می‌کند یا خیر؟ در چه مواردی نیاز زنان و مردان یکسان است؟ آیا در مواردی که نیازها یکسان نیست، سهمی برای زنان در بودجه پیش‌بینی شده است یا نادیده گرفته شده‌اند؟<sup>۵</sup> اگر تحلیل جنسیتی بودجه، نابرابری

→Context: *Theories, Policies and Exit Strategies*, Sebastiano Fadda, Pasquale Tridico, London: Routledge, 1<sup>st</sup> ed. 2015: 186.

1. Patel, V. "Gender Budgeting: a Theoretical Perspective and Experiences", *Journal of Asian Business Management*, Vol. 7, No. 1, 2015: 51.

2. UN, "Beijing Declaration and Platform for Action", adopted at the Fourth World Conference on Women, 1995: para 346.

3. Esim, S. *Impact of Government Budgets on Poverty and Gender Equality*, London: Commonwealth Secretariat, 1st ed. 2000: 9.

4. Sharp, R. "Budgeting For Equity: Gender Budget Initiatives within a Framework of Performance Oriented Budgeting", New York: UNIFEM, 2003: 5.

5. NCPE. *Gender Responsive Budgeting a study on GRB initiatives in Sweden, Switzerland, Italy, United Kingdom and France*, Hamrun: NCPE Pub., 1<sup>st</sup> ed. 2009: 12.

جنسیتی در بهره‌مندی از درآمد عمومی را نشان دهد، به معنای اجرا نشدن برنامه‌های برابری جنسیتی است و بالعکس.

برای مثال، در مکزیک یکی از گام‌هایی که در مسیر اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت برداشته شد، ثبت جنسیت مؤدیان مالیات بود تا از این طریق مشخص شود که چند درصد از مالیات را زنان می‌پردازند. پس از این تغییر روشن شد که زنان سی و چهار درصد مالیات مستقیم را می‌پردازند؛ حتی این درصد هم بیش از انتظار عمومی بود؛<sup>۱</sup> یعنی زنان بیش از سهمشان مالیات می‌پردازند و نتیجتاً شکاف جنسیتی تعمیق می‌شود.

### ۲.۱. اهداف بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت

هدف اصلی بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، حرکت به سمت برابری جنسیتی است؛ دیگر اهداف آن عبارت‌اند از:

- افزایش رشد اقتصادی و رفاه عمومی: بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در بلندمدت، برابری فرصت‌ها را برای زنان محقق می‌کند و افزایش بالقوه فرصت‌ها، به‌منزله فراهم کردن زمینه استفاده از ظرفیت نیمی از جامعه برای تحقق توسعه و مشخصاً توسعه پایدار است.<sup>۲</sup>
- اثربخشی هزینه‌های عمومی: از این طریق تصمیم‌گیرندگان می‌توانند نتایج عینی تصمیمات خود را بر وضعیت زنان ببینند و در مرحله بعد، آن‌ها را به نفع برابری اصلاح کنند.
- ترویج حقوق بشر: برابری با محتوای عدم تبعیض، یکی از اصول حقوق بشر و بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت ابزار رسیدن به برابری است. از طریق بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، حقوق بشر به‌صورت مویرگی در همه تصمیمات تضمین و رعایت می‌شود.
- ارزیابی سیاست برابری جنسیتی: چنانچه دولت برنامه‌ای برای جریان‌سازی جنسیتی داشته باشد، از طریق بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت می‌تواند میزان کارآمدی برنامه خود را بسنجد.<sup>۳</sup>

1. Chakraborty, L. *Fiscal Decentralisation and Gender Responsive Budgeting In Mexico: Some Observations*, Delhi: National Institute of Public Finance and Policy, 1st ed. 2006: 29.

2. WB. *Global Monitoring Report 2007 Millennium Development Goals: Confronting the Challenges of Gender Equality and Fragile States*, Washington DC: World Bank, 1<sup>st</sup> ed. 2007: 2.

3. Klatzer, E and Ivanina, T. *Gender Responsive Budgeting: Analysis of Budget Programmes from Gender Perspective*, New York: UN Women Pub, 1<sup>st</sup> ed. 2016: 8, 9.

- توجه‌افزایی، ظرفیت‌سازی و افزایش آمار و اطلاعات راجع به مسائل زنان.
- رسیدن به اهداف حکمرانی خوب: شفافیت، مشارکت، اثربخشی، کارآمدی، انصاف و پاسخ‌گویی، از جمله مؤلفه‌های حکمرانی خوب است. از طریق بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، آگاهی از مسائل جنسیتی در بودجه‌ریزی و سیاست‌گذاری افزایش می‌یابد، زمینه پاسخ‌گویی دولت در برابر تعهداتش به برقراری برابری جنسیتی فراهم می‌شود و همگان در تدوین بودجه مشارکت می‌جویند.<sup>۱</sup>

## ۲.۲. روش بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت

به لحاظ زمانی، دو روش برای تحلیل جنسیتی وجود دارد: پیشینی و پسینی. در روش پیشینی، تحلیل جنسیتی در طول تدوین بودجه به دست می‌آید. در روش پسینی بودجه موجود، پس از تصویب و در طول فرایند اجرا تحلیل می‌شود. روش نخست در رویه عملی دولت‌ها رواج کمتری دارد،<sup>۲</sup> ولی در تحلیل بودجه‌بندی‌های خرد، مثلاً بودجه احداث یک ورزشگاه، می‌تواند کارآمدتر باشد و جلوی اختصاص اعتبار به و تبعاً اجرای طرح‌های نابرابر را بگیرد یا از منظر دیگر، برابری بودن نتیجه طرح را از ابتدا تضمین کند.

صرف نظر از متغیر زمان، برای سنجش اثر کلیت بودجه دولت بر زنان، روش‌های ماهوی مختلف وجود دارد؛ به عبارت دیگر، از منظرهای مختلف می‌توان بودجه را تحلیل جنسیتی کرد:

- ارزیابی سیاست‌های معطوف به جنسیت: در این روش صرفاً مفاد جنسیتی بودجه و منابع مالی آن‌ها شناسایی می‌شود و به این پرسش پاسخ می‌دهد که اختصاص هزینه در جهت کاهش نابرابری جنسیتی است یا افزایش آن؟<sup>۳</sup> برای مثال، طبق پیوست شماره یک قانون بودجه سال ۱۳۹۹، جمعاً مبلغ ۳/۹۰۰/۰۰۰ میلیون ریال به احداث استادیوم ورزشی ویژه بانوان در تهران اختصاص می‌یابد.<sup>۴</sup> این بند از بودجه زنانه است

1. Elson, D. *Budgeting for Women's Rights: Monitoring Government Budgets for Compliance with CEDAW*, New York: UNIFEM, 1st ed. 2006: 81.

2. Downes, R and von Trapp, L and Scherie N. "Gender budgeting in OECD countries", *OECD Journal on Budgeting*, Vol. 3, 2016: 2.

3. Usuree, D. *Mainstreaming Gender in Debt and Development (New Gender Mainstreaming in Development Series)*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2005: 68.

۴. مجلس شورای اسلامی، **قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور**، پیوست. ۱، جدول ش. ۱، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۹: ش. طبقه‌بندی ۱۷۰۲۰۰۴۰۱۵.

- و در بادی امر در جهت تأمین منافع زنان به نظر می‌رسد. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت تحلیل می‌کند که آیا احداث استادیوم خاص زنان و جداسازی مطلق محل ورزش زنان از مردان، در عمل، اقدامی به نفع برابری جنسیتی است یا برعکس.
- تحلیل هزینه‌های عمومی:<sup>۱</sup> بخش بزرگی از هزینه‌های عمومی معطوف به جنسیت نیست. در این روش، تأثیر هزینه هر برنامه (مثلاً، گسترش حمل‌ونقل ریلی بین شهری) روی زنان و نیز میزان بهره‌مندی زنان از آن برنامه در مقایسه با مردان بررسی می‌شود. چنانچه روشن شود که فقط بیست درصد مسافران قطار بین‌شهری زن هستند، این بخش از بودجه عمومی روی بهبود وضعیت زنان و تعدیل شکاف جنسیتی حداقل تأثیر مثبت نداشته است. برای تحلیل جنسیتی، هزینه‌های عمومی بودجه را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱. هزینه‌های اصلی که بیشترین بخش درآمدها را به خود اختصاص می‌دهند (مثل دستمزد کارکنان)؛ ۲. هزینه‌هایی که هدف جنسیتی دارند و نیازهای خاص زنان را پوشش می‌دهند (مانند مشاوره برای قربانیان خشونت خانگی)؛ ۳. هزینه‌هایی که به قصد تحقق برابری جنسیتی و برابری فرصت‌ها تعریف می‌شوند (مانند گسترش مهدکودک‌ها). برای هر سه بخش، شاخص‌هایی تعریف می‌شود تا بتوان میزان پیشرفت یا پسرفت برابری نسبت به سال قبل را سنجید.
- تحلیل درآمدهای عمومی: در میان منابع درآمدی، مالیات مهم‌ترین ابزار پیشبرد سیاست‌های دولت است. در این روش، میزان مالیات مستقیم و غیرمستقیمی که در واقع زنان می‌پردازند، تجزیه و تحلیل می‌شود. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، در آغاز راه تنها هزینه‌ها را تحلیل می‌کرد. گذر زمان نشان داد که اهمیت تحلیل جنسیتی درآمدها کمتر از هزینه‌ها نیست.<sup>۲</sup> به همین دلیل، در ادامه پروژه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، مفهوم جدید *مالیات‌بندی مبتنی بر جنسیت*<sup>۳</sup>، در حال قوام گرفتن است.<sup>۴</sup> برای مثال، در

1. Usuree, Op. Cit. 68.

2. Budlender, D and Elston, D and Hewitt, G and Mukhopadhyay, T. *Gender Budgets Make Cents: Understanding Gender Responsive Budget*, London: Commonwealth Secretariat, 1st ed. 2002: 78.

3. Gender-Responsive Taxation

4. Fofana, I and Chatti, R and Corong, E. "Gender and Employment Impacts of Taxation Policy in the Middle East and North Africa: A Comparative Analysis of Algeria, Egypt, Morocco, and Tunisia", in *Women, Work and Welfare in the Middle East and North Africa*: →

حالی که به موجب ماده ۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده، تولیدکنندگان و ارائه‌کنندگان بسیاری از کالاهای ضروری، مانند خوراک و دارو، از پرداخت این نوع مالیات معاف هستند، به محصولات بهداشتی ضروری زنان، مالیات بر ارزش افزوده تعلق می‌گیرد و این یعنی زنان، به‌صرف زن‌بودن، ناچار از پرداخت مالیات هستند.

– جلب مشارکت ذی‌نفعان:<sup>۱</sup> این روش شبیه به بودجه‌ریزی مشارکتی (یعنی جلب مشارکت عمومی در نوشتن بودجه) است و نظرات زنان، در مقام ذی‌نفعان بالفعل و بالقوه، برای ارائه تحلیل واقع‌بینانه پرسیده می‌شود؛ برای مثال، در قانون بودجه سال ۱۳۹۹، مبلغ ۳۴/۰۰۳ میلیون ریال به آموزش سلامت همگانی و توانمندسازی مردم برای خودمراقبتی اختصاص داده شده است و جمعیت بهره‌مند به‌منزله سنجه این عملکرد معرفی شده است.<sup>۲</sup> با وجود اینکه واژه مردم در این عبارت، حکایت از فراجنسیتی بودن آن دارد، می‌توان از مسیرهای محدود دسترسی دولت به زنان خانه‌دار حدس زد که در مجموع، زنان، کمتر از مردان در معرض این نوع از آموزش قرار می‌گیرند. با تحلیل جنسیتی، جنسیت آموزش‌گیرندگان و رضایت آنان از کیفیت آموزش، پرسیده و نهایتاً حدس ابتدایی به عدد دقیق تبدیل می‌شود.

– تحلیل تأثیر بودجه بر چگونگی استفاده از وقت:<sup>۳</sup> هدف از این تحلیل جلوگیری از هدایت وقت زنان به کارهای بدون مزد است. برای مثال، تحلیل عینی نشان داد که وقتی دولت سرانه سلامت را کاهش دهد، عملاً زنان مجبور به صرف وقت بیشتر برای نگهداری از اعضای بیمار خانواده در خانه می‌شوند.<sup>۴</sup> به این ترتیب، گویا وقت زنان به منبع درآمد عمومی تبدیل شده است. در کشوری که خانه‌داری رسماً تبلیغ و ترویج می‌شود، این مقوله باید در تحلیل لحاظ شود.

در ایران بخش بزرگی از وقت زنان صرف خانه‌داری می‌شود؛ کارهایی که درآمد مالی ندارد و به لحاظ اقتصادی مولد محسوب نمی‌شود. خانه‌داری زنان حتی در سطوح عالی، تبلیغ و تجویز

→ *The Role of Socio-demographics, Entrepreneurship and Public Policies*, Nadereh Chamlou, Massoud Karshenas, London: Imperial College Press, 1<sup>st</sup> ed. 2016: 479- 501.

1. Klatzer, Op. Cit. 27.

۲. مجلس، پیشین، ۱۳۹۹، پیوست ۴، جدول ۱، بند. ۱۲۳۷۰۰.

3. Usuree, Op. Cit. 69.

4. Budlender et al, 2002, Op. Cit. 46.



می‌شود.<sup>۱</sup> بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در ابتدای راه می‌تواند به این قبیل فعالیت‌ها رنگ حقوقی-اقتصادی بزند و آن را در محاسبات مالی لحاظ کند و به این ترتیب، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که برای زنان حق حمایت از تأثیر کار در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی را قائل شده است، اجرایی می‌شود؛<sup>۲</sup> اگرچه تداوم این روش تحلیل بودجه می‌تواند به جذابیت خانه‌داری برای زنان و تعمیق شکاف جنسیتی بینجامد.

– سیاست‌گذاری میان‌مدت جنسیتی از طریق بودجه: در ابتدا، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، بودجه سالانه را تحلیل می‌کند؛ ولی با گذر زمان، اهداف میان‌مدت (مثلاً سه‌ساله) برای نیل به برابری جنسیتی در نظر گرفته شد که طبعاً فراتر از بودجه یک سال می‌رود و می‌توان آن را در بودجه چند سال متوالی پیگیری کرد.<sup>۳</sup> برای مثال، در بودجه سال ۱۳۹۹، مبلغ ۴/۵۷۴ میلیون ریال به احداث سالن ورزشی سقف بلند چندمنظوره بانوان در دهگلان اختصاص یافته است. آیا در بودجه ۱۴۰۰ اعتبار کافی به تکمیل پروژه داده می‌شود؟ آیا در بودجه ۱۴۰۱ اعتبار کافی به نگهداری از این ورزشگاه اختصاص می‌یابد؟ آیا احداث ورزشگاه اختصاصی، فقط زنان را از سایر ورزشگاه‌های شهر محروم نکرده است؟

### ۳. تاریخچه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت

از عمر بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت حدود سی سال می‌گذرد. نخستین بار در ۱۹۸۴ فعالان زنان در استرالیا، از لزوم توجه بودجه به جنسیت دفاع کردند<sup>۴</sup> و سیزده سال بعد، در ۱۹۹۷، دولت استرالیا اولین تحلیل جنسیتی بودجه را انجام داد. ملل متحد به پیشنهادی صندوق زنان<sup>۵</sup> و بعدتر دفتر زنان<sup>۶</sup>، از اواخر دهه نود در این زمینه فعالیت می‌کند.<sup>۷</sup> از سال ۲۰۰۰ بیش از شصت طرح در

۱. رک. ش.ع.ا.ف. سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱ و منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳.

۲. ش.ع.ا.ف. پیشین، ۱۳۸۱: ۹۸.

3. Mukherjee, A. *Empowering Women Panchayat Members*, Delhi: Concept Publishing Co., 1st. ed. 2006: 195.

4. Budlender et al, 2002, Op. Cite: 63.

5. UNIFEM

6. UN Women

7. Elson, Op. Cit. 1.

سراسر جهان، برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت ایجاد شد.<sup>۱</sup> در سطح بین‌المللی، بانک جهانی و سازمان بین‌المللی کار در تدوین بودجه خود به تحلیل جنسیتی توجه ویژه دارند.<sup>۲</sup>

از ۲۰۰۲ در اتحادیه اروپا تلاش‌هایی برای معرفی و اجرای روش بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، انجام شد و تاکنون نیز ادامه دارد. برای مثال، در طرح بودجه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، کمیسیون، شورا و پارلمان اروپا اعلامیه مشترکی صادر کرده‌اند که در آن بر لزوم توجه به مقوله جنسیت در تحلیل بودجه تأکید شده است. به‌رغم این، در خصوص اعضا، اتحادیه اختیارات لازم را برای الزامی کردن بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت ندارد و تنها می‌تواند آن را توصیه کند و زمینه نرم‌افزاری لازم را فراهم سازد.<sup>۳</sup> دولت بلژیک در ۲۰۰۱ کنفرانس بین‌المللی بودجه‌ریزی جنسیتی را برگزار کرد و زمان کوتاهی پس از آن، پروژه بودجه جنسیتی در سطح فدرال کلید خورد.<sup>۴</sup>

آلمان و فرانسه در کنار کشورهای اسکاندیناوی از پیشاهنگان هستند. در حال حاضر، در اروپا علاوه بر سطح کلان، در سطوح خرد، از جمله بنگاه‌های خصوصی، از بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت استفاده می‌شود.<sup>۵</sup>

#### ۴. رویه عملی

برای شناسایی لوازم و یافتن الگویی مناسب برای ایران، مطالعه تجربیات موجود ضروری است. از میان دولت‌ها و سازمان‌هایی که تحلیل جنسیتی انجام می‌دهند، اتحادیه اروپا (یکی از سازمان‌های پیش‌گام در این زمینه)، فرانسه (یکی از کشورهای پیشرو در این زمینه)، اوکراین و هند (دو کشوری که به‌رغم فرهنگ غیر برابری طلب، اخیراً گام‌های جدی در زمینه برابری جنسیتی برداشته‌اند) و افغانستان پیش از سلطه دوباره طالبان و پاکستان (به دلیل داشتن حکومت اسلام‌گرا) انتخاب شده‌اند.

1. Budlender, D and Hewitt, G. *Engendering Budgets a Practitioners' Guide to Understanding and Implementing Gender-responsive Budgets*, London: Commonwealth Secretariat, 1st ed. 2003: 7.

2. COE. Op Cit. p. 9.

3. Beveridge, F and Cengiz, F and Drywood, E. "Gender Mainstreaming, Gender Budgeting, and Monitoring in Post 2015 Gender Equality Policy", in *a New Strategy for Gender Equality Post 2015*, Brussels: European Parliament, 1st ed. 2014: 28.

4. Holvoet, N. "Gender Budgeting in Belgium: Findings from a Pilot Project", *European Societies*, Vol. 9, No. 2, 2007: 282.

5. Steinhórsdóttir, F and Einarssdóttir, P and Heijstra, T and Pétursdóttir, M. "Money Talks: Gender Budgeting in the University of Iceland", *Icelandic Review Of Politics & Administration*, Vol. 12, No. 1, 2016: 174.

#### ۴.۱. اتحادیه اروپا

پیشتر به‌رغم درخواست گروه‌های مدافع حقوق زنان و پارلمان اروپا، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در خود اتحادیه انجام نمی‌شد و فقط برنامه‌ای برای اجرای آن از ۲۰۲۰ تدوین شده بود.<sup>۱</sup> ولی از آنجا که اتحادیه برنامه منسجمی برای حذف شکاف جنسیتی داشته و دارد، بعضاً ادعا می‌شد تا ۲۰۲۰ دیگر نیازی به کلیدخوردن پروژه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت نخواهد بود. البته به نظر می‌رسد این ادعا درست نیست؛ چون اولاً تحلیل جنسیتی ابزاری برای تحقق مؤلفه‌های حکمرانی خوب (به‌ویژه دو مؤلفه شفافیت و پاسخ‌گویی) در اقتصاد اتحادیه است<sup>۲</sup> و از این حیث کارکرد خود را خواهد داشت، ثانیاً شکاف جنسیتی، (در کنار فقر، خشونت، بی‌سوادی و ...) از جمله مقولاتی است که شاید به صفر نزدیک شود، ولی حداقل در آینده نزدیک، صفر نمی‌شود.

به هر حال، در بودجه ۲۰۲۰ ذیل بند جامعه مدنی در توسعه، از جمله اهداف تخصیص این اعتبار، ارتقای توانمندسازی زنان، از طریق بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در همه ابعاد بیان شده است.<sup>۳</sup> همچنین، ذیل بند حق‌ها و برابری و شهروندی، از اقدامات مقدماتی برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت اتحادیه حمایت شده است. در متن بودجه، سه روش برای تحلیل جنسیتی ارائه شده است: ۱. شناسایی موضوعاتی که صراحتاً یا تلویحاً اثر جنسیتی دارند؛ ۲. مشخص کردن جزء به جزء<sup>۴</sup> منابع تخصیص‌یافته مربوط به جنسیت؛ ۳. ارزیابی تأثیر سیاست‌ها بر نابرابری جنسیتی، به‌ویژه بر الگوی مناسبات میان دختران و پسران.<sup>۵</sup> این در حالی است که در بودجه ۲۰۱۹ روش‌ها عبارت بودند از شناسایی کلی موضوعاتی جنسیتی، شناسایی کلی منابع تخصیص‌یافته مرتبط با جنسیت و ارزیابی اینکه آیا یک سیاست مشخص، به توقف یا تداوم نابرابری جنسی می‌انجامد.<sup>۶</sup> روشن می‌شود که بودجه ۲۰۲۰ کماکان کاملاً تحلیل جنسیتی نشده

1. Beveridge, F and Cengiz, F and Drywood, E. "Gender Mainstreaming, Gender Budgeting, and Monitoring in Post 2015 Gender Equality Policy", in *a New Strategy for Gender Equality Post 2015*, Brussels: European Parliament, 1st ed. 2014: 27.

2. Ibid. 16.

3. European Parliament, "Budgets Definitive Adoption (EU, Euratom) 2020/227 of the European Union's general budget for the financial year 2020", Official Journal of the European Union, Vol. 63, 2020: part 21 02 08 01.

4. Mapping.

5. Ibid. part 33 02 01.

6. European Parliament. "Budgets Definitive Adoption (EU, Euratom) 2019/333 of the European Union's general budget for the financial year 2019", Official Journal of the European Union, Vol. 62, 2019: part 33 02 02.

و اجرای آن در دست اقدام است. نکته درخور توجه در تجربه اتحادیه، اجرای گام‌به‌گام و هدف‌گذاری شده بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در راستای برابری جنسیتی است.

#### ۴.۲. فرانسه

فرانسه در دهه‌های اخیر تحولات انقلابی را در خصوص برابری جنسیتی پشت سر گذاشته است. در این کشور پیش از دهه شصت میلادی طرفداران نهاد خانواده و فرزندآوری دست بالا را داشتند و سیاست‌شان عمدتاً در جهت تحدید حضور زنان در سپهر عمومی و تقدیس خانه‌داری برای آنان بود. از دهه شصت این سیاست تدریجاً جای خود را به برابری حقوقی زنان و مردان به‌ویژه در بازار کار داد و از دهه نود برای زنان دارای فرزند تسهیلات شغلی بیشتری در نظر گرفته شد.<sup>۱</sup> در حال حاضر، در فرانسه وضعیت زنان از حیث مؤلفه‌هایی مانند تعداد شاغلان و امید به زندگی سالم نسبت به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا خوب است.<sup>۲</sup>

برای اولین بار در ۲۰۰۰، پارلمان فرانسه شواهدی را در خصوص تلاش دولت برای ارتقای حقوق زنان از طریق بودجه ارائه داد. قانون بودجه در فرانسه سند پیوستی به نام بودجه زرد<sup>۳</sup> دارد. از طریق این پیوست، اطلاعات مالی راجع به یک سیاست عمومی خاص ارائه می‌شود؛ بودجه زرد، تدریجاً به حقوق زنان اختصاص پیدا کرد. در قالب این پیوست، هر یک از ارکان دولت اقدامات خود را درباره چگونگی پیشبرد برابری جنسیتی، تبیین و هزینه‌های به نفع زنان را تعیین می‌کنند. به موجب منشور اروپایی برابری جنسیتی میان زنان و مردان<sup>۴</sup>، تمام نهادهای رسمی، از ملی تا محلی، موظف شدند اقدامات ملموسی را در خصوص برابری جنسیتی انجام دهند و این موضوع را در بودجه پیشنهادی خود لحاظ کنند.<sup>۵</sup> انجام این تعهد منطقه‌ای، در کنار تدوین بودجه زرد در واقع به‌مثابه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در فرانسه است. نکته چشمگیر در تجربه فرانسه، استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود است.

1. NCPE. Op. cit. 27.

2. Ibid. 21.

3. Le Jauns Budgetaire

4. The European Charter for Equality between Women and Men.

5. COE. Op. cit. 29.

### ۴.۳. اوکراین

بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در اوکراین ابتدا در قالب یک طرح آزمایشی در سطح محلی در ۲۰۱۳ کلید خورد. سرمایه‌گذار این طرح آژانس سوئدی توسعه بود و وزارت دارایی اوکراین آن را اجرا کرد. مشارکت وزارتخانه حکایت از عزم جدی دولت اوکراین برای رفع شکاف جنسیتی دارد. هدف طرح، بهبود معنادار کارآمدی اقتصادی بودجه برای زنان و مردان عنوان شده است تا از این طریق جامعه به‌طور متعادل و هماهنگ توسعه یابد.<sup>۱</sup>

در نظام حقوقی اوکراین، زمینه لازم برای تحقق برابری جنسیتی فراهم است. ماده بیست‌و‌چهار قانون اساسی اوکراین، برابری زنان و مردان را به رسمیت شناخته و در مقام اجرای این ماده، پارلمان قوانینی را تصویب کرده است؛ مانند قانون تضمین حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان.<sup>۲</sup> به‌منظور فراهم‌شدن زمینه اجرای این قانون، در ۲۰۰۶، دولت برنامه تحکیم برابری جنسیتی در جامعه اوکراین تا ۲۰۱۰ و بعدتر تا ۲۰۱۶ را تصویب کرد.

نظام‌نامه بودجه اوکراین اشاره صریحی به تحلیل جنسیتی ندارد، ولی اصولی را می‌توان در این قانون شناسایی کرد که زمینه آن را فراهم می‌کند. این اصول عبارت‌اند از بی‌طرفی، انصاف، شفافیت، علنیت، کارآمدی هزینه‌های عمومی، کیفیت برنامه‌ها و خدمات برای همه مردم، تعامل همگانی در فرایند بودجه‌ریزی و ارزیابی نرخ توسعه اقتصادی.<sup>۳</sup> این اصول در واقع همان مؤلفه‌های حکمرانی خوب هستند. پیشبرد پروژه و اهداف تبعی بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، مانند هر رویکرد اصلاحی دیگر، نیاز به تأمین مالی دارد. دولت اوکراین بخشی از منابع را از طریق تخصیص بودجه دولتی، بخشی را از طریق هدایت بخش خصوصی و بخشی را از طریق جلب کمک مالی خارجی تأمین کرده است.<sup>۴</sup> در اینجا هماهنگی در همه سطوح برای اجرای بودجه‌ریزی حساس به جنسیت و فراتر از آن برای جریان‌سازی جنسیتی، درخور توجه است.

1. Klatzer, Op. Cit. 4.

2. Ukraine, "Law on Ensuring Equal Rights and Opportunities of Women and Men", OJVR, No 52, 2005: 561.

3. State Program on Consolidation of Gender Equality in the Ukrainian Society for the Period till 2010 & till 2016.

4. Klatzer, Op. Cit. 7, 8.

5. Ibid. 4.

## ۴.۴. هند

گام نخست برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در هند در ۲۰۰۰ با پژوهش برداشته شد. سرمایه‌گذاران اصلی طرح تحقیقاتی، دولت هند و دفتر زنان ملل متحد بودند و مؤسسه ملی مالیه و سیاست عمومی هند، تولید اصلی و تسهیلگری آن را بر عهده داشت. دولت هند، مشخصاً وزارت دارایی، پس از فاز تحقیقاتی، به دنبال پاسخ این پرسش رفت: «چه نهادهایی برای تحلیل جنسیتی لازم است که در ساختار کنونی دولت هند وجود ندارد؟» سپس، بودجه پیشنهادی سال پیش رو به‌طور واقعی از منظر جنسیتی تجزیه و تحلیل شد. از ۲۰۰۵ وزارت مالیه، سالانه بیانیه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را صادر می‌کند.<sup>۱</sup>

از اقدامات مؤثر وزارت مالیه در نهادسازی برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، تشکیل یک کارگروه تخصصی است. توصیه‌های این کارگروه در دولت هند پذیرفته و اجرا می‌شود. توصیه‌ها دور دو محور می‌چرخد: گسترش هرچه بیشتر بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت و اصلاح نهادی برای حذف شکاف جنسیتی از بودجه؛ در نتیجه، تلاش‌های کارگروه در تمام وزارتخانه‌های هند، بخش بودجه‌ریزی جنسیتی تشکیل شده است تا تحلیل جنسیتی به بودجه پیشنهادی هر وزارتخانه پیوست شود.<sup>۲</sup>

اهمیت و اولویت پژوهش و آموزش در تجربه هند جای بررسی بیشتر دارد. مؤسسه ملی مالیه و سیاست عمومی و دفتر زنان ملل متحد و وزارت توسعه زنان و کودکان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ از طریق آموزش ذی‌نفعان، در جهت ایجاد توانمندی لازم برای اجرای طرح، گام برداشتند. دفتر زنان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵، پنج اجلاس در منطقه جنوب آسیا در خصوص بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت برگزار کرد. از ۲۰۰۶ آموزش به مقامات ذی‌ربط و نیز توسعه دفتر بودجه‌ریزی جنسیتی، در دستور کار قرار گرفت؛ تا جایی که فقط در ۲۰۱۰ حدود صد کارگاه آموزشی برگزار شد. در ادامه مسیر، نقش نهادهای دولتی در زمینه رفع تبعیض جنسیتی در بودجه تدقیق شد. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت به سطح ایالت‌ها، یعنی سطح فروملی، گسترش یافت و نهایتاً

1. Chakraborty, L. *A Case Study of Gender Responsive Budgeting in India*, London: Commonwealth Secretariat, 1st ed. 2013: 8.

2. Chakraborty, L. "Gender-responsive Budgeting as Fiscal Innovation: Evidence from India on 'Processes'", Working Paper, No. 797, New York: bard college, 2014: 9.

سازوکارهای پاسخ‌گویی و ارزیابی میان‌دوره و پایان دوره بودجه طراحی شد.<sup>۱</sup> لزوم نهادسازی و نیز آموزش دیدن دست‌اندرکاران برای آغاز این پروژه در ایران آموختنی است.

#### ۴.۵. افغانستان پیش از سلطه دوباره طالبان

بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در افغانستان با همکاری برنامه توسعه ملل متحد و دفتر زنان ملل متحد و وزارت مالیه افغانستان معرفی شد. در خلال آن، دفتر رئیس‌جمهور و وزارت اقتصاد و بعضی دیگر از نهادهای عالی حکومتی، وظایف خود را در راستای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت تعریف کردند و واحد جندر را در چند وزارتخانه و سازمان دولتی به راه انداختند.<sup>۲</sup> در این کشور در ۲۰۱۶ با همکاری سازمان همکاری‌های بین‌المللی آلمان و تسهیلگری مجمع حکومت‌داری افغانستان، پژوهش درباره بودجه جنسیت-محور آغاز شد. در این پژوهش مفصل، به دولت افغانستان توصیه‌هایی شده است؛ از جمله لزوم توسعه کمی یا کیفی سازمان‌های غیردولتی زنان و تقویت مؤلفه‌های حکمرانی خوب.<sup>۳</sup>

#### ۴.۶. پاکستان

دولت فدرال این کشور از حدود ۲۰۰۵ بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را آغاز کرده است. در پاکستان تحلیل جنسیتی، بخشی از برنامه استراتژیک فقرزدایی و تحت نظارت وزارت دارایی است. در شروع کار، وزارتخانه‌های آموزش، بهداشت و رفاه عمومی به‌صورت آزمایشی موظف به پیاده‌سازی تحلیل جنسیتی در بودجه خود شدند. در پاکستان کتابچه‌ای به‌طور رسمی نوشته شده و در آن چگونگی تدوین بیانیه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت توضیح داده شده است.<sup>۴</sup> جهت تقریب به ذهن، این کتابچه را می‌توان با شرایط موافقت‌نامه عمومی پیمان مصوب ۱۳۷۸ از سوی سازمان برنامه بودجه وقت، مقایسه کرد. به‌رغم اینکه این موافقت‌نامه برای غیر دولت الزام‌آور نیست، از حیث ماهوی به‌قدری کارآمد است که در بخش خصوصی هم لازم‌الاجرا تلقی

1. Chakraborty, Op. Cit. 2013: 7.

۲. بیرتچ، نیکوال و سلیمان، احمد، هدایت بودجه‌سازی جنسیت‌محور در افغانستان: کاری در حال پیشرفت، خادم احمد حقیقی، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، چاپ نخست، ۱۳۹۵: ۱.

۳. همان، د.

4. Budlender, D. Budget Call Circulars and Gender Budget Statements in the Asia Pacific: a Review, New York: UN Women, 1<sup>st</sup> ed. 2015: 27.

می‌شود. تصویب چنین متنی در خصوص بودجه‌ریزی حساس به جنسیت می‌تواند زمینه اجرای آن در دولت و غیر دولت را فراهم آورد.

### ۵. نتایج پژوهش / وضعیت ایران

با ملاحظه تجربیات بالا می‌توان نتیجه گرفت که روش پسینی به لحاظ اقتصادی ارزنده‌تر و به لحاظ عملیاتی امکان‌پذیرتر است؛ اگرچه کارآمدی و اثربخشی روش پیشینی در برقراری برابری جنسیتی بیشتر است. مؤلفه‌ها و لوازم بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت به این ترتیب است:

۱. به رسمیت شناخته‌شدن اصل برابری جنسیتی در نظام حقوقی؛
۲. اراده ملی یا حداقل اراده سیاسی به برقراری برابری جنسیتی؛
۳. هماهنگی و هم‌سویی همه برنامه‌های راجع به جنسیت در همه سطوح اعم از ملی و محلی؛
۴. تخصیص منابع مالی؛
۵. انجام‌دادن پژوهش‌های گسترده، به هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی و اقتصادی؛
۶. تخصیص منابع انسانی و ایجاد نهادهای لازم؛
۷. توانمندسازی منابع انسانی، از جمله کارکنان درگیر در بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، از طریق آموزش؛
۸. ایجاد یا تقویت پایگاه داده‌های آماری به تفکیک جنسیت.

در میان لوازم بالا، اهمیت دو شرط نخست بیش از سایر شروط است؛ شناسایی برابری جنسیتی در نظام حقوقی و وجود اراده برای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، در واقع به‌مثابه پیش‌شرط سایر لوازم است. آیا این شروط در ایران فراهم است؟ در مقدمه قانون اساسی به مبارزه هم‌دوش و هم‌شان زنان و مردان برای انقلاب اشاره شده و در بخش زن در قانون اساسی به تبعیض تاریخی علیه زنان و اولویت احقاق حقوق آنان نسبت به مردان تأکید شده است: «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.» این مقرر را می‌توان به احداث تبعیض مثبت به نفع زنان یا حتی لزوم راه‌انداختن جریان‌سازی جنسیتی به دست دولت تفسیر کرد. بند چهاردهم اصل سوم قانون اساسی راجع به وظیفه دولت به «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای



همه و تساوی عموم در برابر قانون» است که برابری حقوقی همه، از جمله زنان و مردان را نتیجه می‌دهد. اگرچه در این خصوص مقررۀ اصل بیستم قانون اساسی را نمی‌توان نادیده گرفت که در جدال احتمالی میان موازین فقهی و برابری جنسیتی، اولویت را به فقه اسلامی داده است و به تبع اعمال این اصل در قوانین و مقررات حقوقی، برابری جنسیتی به معنای مد نظر نظام حقوق بشر بین‌الملل، به نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران راه نیافته است.

اخیراً اصطلاح عدالت جنسیتی که در گفتمان سیاسی سابقۀ طولانی‌تری دارد، وارد قوانین ایران شده است. از این اصطلاح، این نتیجۀ زود هنگام حاصل می‌شود که شرط نخست بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، یعنی به رسمیت شناخته‌شدن اصل برابری جنسیتی در نظام حقوقی فراهم شده است. منتها عدالت جنسیتی، در واقع در تقابل با برابری جنسیتی ساخته شده است؛ با این توضیح که مستدل به دیدگاهی است که برابری مد نظر نظام حقوق بشر را تحمیلی غربی و نادیده‌انگاری زن می‌داند.<sup>۱</sup> پیامد حقوقی این نگاه چنین است: اگرچه زنان از دسترسی به مناصبی مانند قضاوت، ریاست‌جمهوری و رهبری محروم هستند، وزن سهم‌الارث و شهادتشان به‌منزله دلیل اثبات دعوا سبک‌تر است، در مواردی مانند حق طلاق و حق حضانت فرزندان موضع پایین دارند و ... در مقابل، از حق نفقه، حق مهریه، اجرت‌المثل و نظایر آن بهره‌مند هستند و براین‌دین‌ها تساوی حقوق زن و مرد را نتیجه می‌دهد؛ اثبات درستی این ادعا که در ادامه اصل بیستم قانون اساسی و بر این منطبق استوار است که هست، پس عادلانه است، جز با تحلیل جنسیتی بودجه ممکن نیست. به این ترتیب، تحلیل جنسیتی از امکان، به ضرورت تبدیل می‌شود و وضعیت و سطح اجرای اصل بیستم را روشن می‌کند؛ اگرچه حتی در فرض اثبات به معنای تأمین برابری حقوق بشر نیست.

رد پای از عدالت جنسیتی را می‌توان در ماده ۱۰۱ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه دید: «کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند ... نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی ... در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات ... اقدام نمایند.» این ماده در اجرای اصول گفته‌شده قانون اساسی نوشته شده است و عبارت ذیلش تلویحاً تحلیل جنسیتی همه تصمیمات، از جمله تصمیمات مرتبط با بودجه را تجویز می‌کند. سند چشم‌انداز بیست‌ساله، منظره

۱. کاشانی‌ها، زهرا، «مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، تحقیقات زنان، ش. ۲، ۱۳۹۰: ۱۴۲.

فرصت‌های برابر و فقدان تبعیض را در آینده ایران می‌بیند. در تصویب‌نامه هیئت‌وزیران راجع به اسناد ملی توسعه استان‌های کشور (۳۰ استان) «ترویج و بهبود برابری جنسیتی» به‌منزله راهبرد بلندمدت توسعه دیده شده است. بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت روشن می‌کند که به لحاظ مالی زمینه اجرایی شدن این مصوبات فراهم است یا نه. برای مثال، طبق پیوست شماره یک قانون بودجه ۱۴۰۰، جمعاً مبلغ ۱،۵۸۹،۰۰۰ میلیون ریال به فصل دفاع اختصاص یافته است.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه در ایران زنان به‌ندرت فرصت اشتغال در امور دفاعی را می‌یابند و به دانشگاه‌های دفاعی راهی ندارند، ولی در عین حال، از امنیت کشور، مانند مردان بهره‌مند هستند، روشن می‌شود که این بند تا چه حد در خدمت برابری جنسیتی است.

سنجش شرط دوم، یعنی وجود اراده سیاسی، با تفکیک میان شعار و اراده سیاسی ملازمه دارد که احراز آن از طریق منابع و روش پژوهش حقوقی ممکن نیست. با این حال، اراده سیاسی را می‌توان در مصوبات برشمرد شده متجلی فرض کرد و این شرط را نیز تقریباً فراهم دانست. این تقریب به معنای نادیده انگاشتن باورهای اجتماعی-سیاسی ناظر بر نابرابری جنسیتی نیست و صرفاً معطوف به/مکان افزودن یک پیوست تحلیل جنسیتی به قانون بودجه است؛ چراکه میان بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت و برابری جنسیتی رابطه متقابل وجود دارد: وجود سطحی از باور عمومی (به‌ویژه سیاسی) به برابری جنسیتی، زمینه لازم را برای آغاز پروژه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت فراهم می‌کند. این تحلیل، با برجسته‌سازی محمل‌های عینی نابرابری، انگیزه لازم را برای بازنگری در سیاست‌ها، قوانین و عرف‌ها به‌قصد تحقق برابری فراهم می‌کند و مرز میان شعار و اراده معطوف به عمل را مشخص می‌سازد.

برای مثال، مسئله ورزش زنان و حضورشان در ورزشگاه‌ها در قالب تماشاگر، سال‌ها است که در ایران به مطالبه بخشی از مردم تبدیل شده است. عملاً و به‌رغم مداخله نهادهای بین‌المللی مانند فیفا، کماکان مسئله رفع نشده است. به‌علاوه، فعالیت زنان ورزشکار با محدودیت‌هایی از حیث لزوم دیده‌نشدن در منظر عموم و پوشش خبری مواجه است؛ با وجود این، در قانون بودجه ۱۴۰۱، اعتباراتی به ایجاد، تعمیر و تجهیز استادیوم‌های ورزشی اختصاص یافته است.<sup>۲</sup> از طریق

۱. مجلس شورای اسلامی، **قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور**، پیوست. ۱، انتشارات سامان برنامه و بودجه، ۱۴۰۰: ش. طبقه‌بندی ۱۱۰۱۰۰۰۰۰.

۲. مجلس شورای اسلامی، **قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور**، ۱۴۰۰: پیوست. ۱.

تحلیل، میزان بهره‌مندی زنان از این اعتبارات و تأثیر این بخش بودجه بر تعمیق/تعدیل نابرابری روشن می‌شود و نتیجتاً این پرسش که آیا ارادهٔ سیاسی برای حل این مسئلهٔ خاص وجود دارد یا خیر، پاسخ می‌گیرد.

در خصوص شرط چهارم، تخصیص منابع مالی، با توجه به وضعیت نامساعد کنونی اقتصاد کشور، تأمین منابع مالی برای بودجه‌ریزی حساس به جنسیت، یکی از موانع مهم پیش رو است. از آنجا که کسری مالی، هرگز توجیه مقبولی برای تأخیر در اجرای حقوق بشر نیست، می‌توان استفاده از ظرفیت‌های نهادی و هنجاری موجود، یعنی نرفتن به سمت ایجاد بروکراسی اداری جدید را راهکاری با کارکرد دوگانه دانست و آن را در دستور کار قرار داد؛ چون از یک طرف، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت محقق می‌شود و از طرف دیگر، بند ده اصل سوم قانون اساسی نقض نمی‌شود. در خصوص ظرفیت نهادی، می‌توان به معاونت امور زنان و خانوادهٔ رئیس‌جمهور و واحدهای زیرمجموعهٔ آن اتکا کرد و آن را با تغییراتی به متولی اصلی این امر مبدل ساخت؛ منتها ضرورتاً کارکنان یا بخشی از کارکنان نهادهای متولی باید آموزش لازم را برای ایجاد تخصص فردی به قصد تحقق شرط هفتم دریافت کنند.

برقراری شرط هشتم، ایجاد پایگاه دادهٔ آماری به تفکیک جنسیت برای همهٔ امور کشور و تخمین وضعیت و کسری‌های آن، مقوله‌ای فنی و ناحقوی است. با توجه به ظرفیت انسانی و میزان بودجهٔ مرکز آمار ایران که وظیفهٔ تهیه و انتشار آمارهای رسمی کشور را بر عهده دارد<sup>۱</sup>، تحقق این شرط، چالش‌برانگیز و نیازمند توجه ویژه می‌نماید.

در خصوص ظرفیت هنجاری، شرط ششم، در حال حاضر عنوان پیوست شمارهٔ چهار قانون بودجهٔ سالانهٔ ایران، اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی برحسب برنامهٔ خروجی، و بهای تمام‌شده (بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد) است.<sup>۲</sup> این پیوست در اجرای بند «پ» مادهٔ هفت قانون برنامهٔ ششم توسعه و با هدف انضباط مالی، اصلاح فرایند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت بر عملکرد و هزینه‌های دولت تدوین و تصویب می‌شود. هدف از بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، اجرای حکمرانی خوب، به‌ویژه دو مؤلفهٔ کارایی و اثربخشی است؛ با این توضیح که اعتبارات بر

۱. مرکزی آمار ایران، معرفی مرکز آمار ایران،

، (۱۴۰۱/۷/۷)، ۱۳. [https://amar.org.ir/Portals/0/Amalkard/1400/amar\\_%20002\\_1400.pdf](https://amar.org.ir/Portals/0/Amalkard/1400/amar_%20002_1400.pdf)

۲. مجلس، ۱۳۹۸، پیشین، پیوست ۴، جدول ۱.

مبنای عملکرد واحدها به هدف تأمین کالا/خدمات و حصول نتایج تخصیص می‌یابد.<sup>۱</sup> پیوست، شامل جدولی است که کالا/خدمت ارائه‌شده، بهای تمام‌شده و سنجۀ عملکرد را تعیین می‌کند. منظور از سنجۀ عملکرد، معیاری اندازه‌پذیر برای بررسی میزان تحقق هدف است.<sup>۲</sup> بسته به نوع خدمت/کالا، سنجۀ عملکرد آن بازرسی، جمعیت بهره‌مند، پروژه، دانشجو، قلم دارو، پرس غذا و ... است. برای مثال، اعطای پژوهانه یا گرنت با هیئت‌علمی و سفرهای مطالعاتی با نفرماه سنجیده می‌شود. برای شروع بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت کافی است تا جای ممکن متغیر جنسیت (جنسیت جمعیت بهره‌مند، جنسیت اعضای هیئت‌علمی که از پژوهانه بهره‌مند شده‌اند یا جنسیت افرادی که در ماه به سفر مطالعاتی رفته‌اند) به این پیوست افزوده شود.

شرط سوم، هماهنگی همه برنامه‌های راجع به جنسیت، توجه ویژه می‌خواهد؛ چراکه لازمه آن جریان‌سازی جنسیتی است که منظور از آن پیش‌تر تبیین شد. چنین برنامه‌ای حداقل با سمت‌وسوی برابری جنسیتی وجود ندارد؛ با این حال، توجه به دو نکته لطیف است: اول اینکه وجود نداشتن به این معنا نیست که امکان ندارد وجود داشته باشد. در فرض ایجاد اراده سیاسی، تدوین چنین برنامه‌ای ممکن و البته ضروری است. نکته دوم اینکه با نگاهی مثبت می‌توان گفت بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در خصوص بودجه یک سال مشخص یا حتی یک سازمان مشخص و مشاهده نتایج آن که وضعیت شکاف جنسیتی را نشان خواهد داد، خودبه‌خود افکار سیاسی را، هم‌سو با افکار عمومی، متقاعد به لزوم جریان‌سازی جنسیتی می‌کند.

نتیجه دیگری که از مطالعه تطبیقی به دست می‌آید، اهمیت نقش نهادهای مدنی است. جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی ظرفیت لازم را برای پژوهش و آموزش، نظارت مستقل بر اعمال دولت و نیز در اقناع<sup>۳</sup> دولت و شهروندان به انجام‌دادن بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت دارند. بنابراین، با توجه به اینکه در ایران هنوز این اصطلاح در حد مطلوب طرح نشده، نهادهای مدنی می‌توانند از تجربه استرالیا بهره بگیرند و آغازگر راه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت باشند. کنشگری نهادهای مدنی به دو طریق ممکن است: اولاً، درست است که امکانات لازم جهت

۱. سازمان برنامه و بودجه، دستورالعمل جامع بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، ۱۳۹۸: ۲.

۲. همان. ص. ۴.

۳. رحمتی‌فر، سمانه، نقش جامعه مدنی در ایجاد قاعده حقوقی در دوران جهانی‌شدن با تأکید بر سازمان‌های غیردولتی: گذار حقوق از الزام به اقناع، پژوهش حقوق عمومی، ش. ۵۴، ۱۳۹۶: ۲۷۹-۲۸۱.

انجام عملیاتی تحلیل جنسیتی در اختیار دولت، مشخصاً مجموعه نهادهایی است که در تدوین، تصویب و اجرای بودجه دخیل هستند، ولی نهادهای مدنی می‌توانند در حد اطلاعات در دسترسشان نمایی شماتیک از وضعیت برابری جنسیتی در بودجه ارائه دهند؛ ثانیاً، این امکان وجود دارد که از طریق رایزنی با نهادهای دولتی زنان و سایر ارگان‌های ذی‌صلاح، لزوم افزودن چنین پیوستی به بودجه را طرح کنند. البته، ایجاد چنین انتظاری از جامعه مدنی مستلزم آزادی فعالیت مدنی است.

## نتیجه‌گیری

بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت به دولت امکان می‌دهد تا با عینک جنسیت، نتیجه و تأثیر متفاوت و پیش‌بینی‌نشده تصمیمات خود را بر زنان ببیند. تحلیل جنسیتی مستلزم رعایت مؤلفه‌های حکمرانی خوب در بودجه‌ریزی است و به‌مثابه فرایندی از بالا، بدون اراده جدی دولت انجام‌شدنی نیست یا حداقل اثربخشی کافی برای پرکردن شکاف جنسیتی را ندارد. چنین وضعیتی را می‌توان به امتناع نظام سیاسی از برقراری برابری جنسیتی تعبیر کرد. در فرض نبود اراده سیاسی، جامعه مدنی، به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی فعال در امور زنان، می‌توانند دولت را به آغاز این فرایند قانع کنند. اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، توانمندسازی کارکنان مربوطه و ایجاد نهادهای جدید و تهیه داده‌های آماری دقیق راجع به وضعیت زنان را می‌طلبد.

در ایران بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت تاکنون طرح نشده است. این تأخیر اگر نشانه امتناع سیاسی نباشد، الزاماً به معنای امکان‌ناپذیری اجرای آن نیست؛ چراکه در قانون اساسی ایران تا حدی برابری جنسیتی به رسمیت شناخته شده یا حداقل مورد توجه قانون‌گذار اساسی واقع شده است. ورود اصلاح عدالت جنسیتی به ادبیات قانونی را می‌توان به دو عامل نسبت داد: یکی به امتناع قانون‌گذار از ایجاد برابری جنسیتی و دیگری به شروع پروژه جریان‌سازی جنسیتی. در فرض نخست، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت منتفی است. در فرض دوم، تحلیل جنسیتی، برای ارزیابی نتایج حاصل از پروژه اجتناب‌ناپذیر می‌شود؛ حتی اگر حالت اخیر برقرار نباشد و ایجاد اصطلاح عدالت جنسیتی صرفاً نشان از نوع متفاوتی از نگاه به مسائل زنان باشد، سنجش نتایج آن مستلزم بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت است.

بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را می‌توان بومی‌سازی کرد و از روندها و ساختارهای موجود در یک کشور بیشترین بهره را در اجرای آن برد؛ مانند تجربه فرانسه و استفاده از بودجه زرد و تبدیل آن به بیانیه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت. در فرض استفاده از ظرفیت‌های موجود، اولاً هزینه‌های اجرای برنامه کاهش می‌یابد؛ ثانیاً، بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت به‌راحتی با دیگر برنامه‌های کلان دولت هماهنگ و اجرای جریان‌سازی جنسیتی تسهیل می‌شود. پیوست شماره چهار قانون بودجه که در واقع بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد است، ظرفیت تأمین الزامات اولیه بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت را دارد. به‌علاوه، در بومی‌سازی توجه به مسائل خاص زنان محل

ضروری است. برای مثال، در ایران ندیدن وضعیت زنان خانه‌دار در فرایند تحلیل بودجه، آن را کم‌تأثیر می‌سازد.

بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت سه فاز اصلی دارد: پژوهش، نهادسازی و آموزش یا توانمندسازی. با توجه به نیروی جوان تحصیل‌کرده در شاخه‌های مختلف، به نظر نمی‌رسد ایران در فاز پژوهش با مشکل جدی مواجه باشد. در خصوص دو فاز بعدی، در حال حاضر، امور زنان و خانواده یکی از معاونت‌های رئیس‌جمهور است و در زیرمجموعه آن در اداره‌ها نهادهایی با عناوین دفتر امور زنان و خانواده و کارشناسی زنان و خانواده تشکیل شده است. این‌ها می‌توانند در تعامل با وزارت امور اقتصاد و دارایی در اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت، اولاً، خلاً نهادی را پر کنند و ثانیاً، در مرحله توانمندسازی (ارائه آموزش لازم به کارکنان) و نیز ایجاد داده‌های آماری مختص زنان، نقش پررنگی بازی کنند. بنابراین، فرضیه پژوهش ناظر بر اینکه اجرای بودجه‌ریزی مبتنی بر جنسیت در حقوق ایران مستلزم عزم سیاسی است، تأیید می‌شود.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب‌ها

۱. بیرتج، نیکوال و سلیمان، احمد، *هدایت بودجه‌سازی جنسیت‌محور در افغانستان: کاری در حال پیشرفت*، خادم احمد حقیقی، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، چاپ نخست، ۱۳۹۵.

## مقالات

۲. رحمتی‌فر، سمانه، «نقش جامعه مدنی در ایجاد قاعده حقوقی در دوران جهانی‌شدن با تأکید بر سازمان‌های غیردولتی: گذار حقوق از الزام به اقناع»، پژوهش حقوق عمومی، ش. ۵۴، ۱۳۹۶: ۲۶۵-۲۸۸.

## قوانین و مصوبات

۳. سازمان برنامه و بودجه، *دستورالعمل جامع بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد*، ۱۳۹۸.
۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی، *سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه روزنامه رسمی، ۱۳۷۱.
۵. شورای عالی انقلاب فرهنگی، *منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۳.
۶. کاشانی‌ها، زهرا، *مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان*، تحقیقات زنان، ش. ۲، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۵۹.
۷. مجلس شورای اسلامی، *قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، روزنامه رسمی کشور، ش. ۲۰۹۹۵، ۱۳۹۶.
۸. مجلس شورای اسلامی، *قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور*، پیوست ۱ (اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۹.



۹. مجلس شورای اسلامی، قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور، پیوست ۴ (قسمت دوم) اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی برحسب برنامه خروجی، و بهای تمام‌شده، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۸.
۱۰. مجلس شورای اسلامی، قانون بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور، پیوست ۱ (اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۱.
۱۱. مجلس شورای اسلامی، قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور، پیوست ۱ (اعتبار طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۰.
۱۲. مجلس شورای اسلامی، قانون مالیات بر ارزش افزوده، روزنامه رسمی کشور، ش. ۲۲۲۲۶، ۱۴۰۰.
۱۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام، چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ۱۳۸۲.
۱۴. مرکزی آمار ایران، معرفی مرکز آمار ایران، [https://amar.org.ir/Portals/0/Amalkard/1400/amar\\_%20002\\_1400.pdf](https://amar.org.ir/Portals/0/Amalkard/1400/amar_%20002_1400.pdf)، (۱۴۰۱/۷/۷).
۱۵. هیئت‌وزیران، تصویب‌نامه راجع به اسناد ملی توسعه استان‌های کشور (۳۰ استان)، روزنامه رسمی کشور، ش. ۱۷۶۰۳، ۱۳۸۴.

#### Books

16. Budlender, D and Elston, D and Hewitt, G and Mukhopadhyay, T. *Gender Budgets Make Cents: Understanding Gender Responsive Budget*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2002.
17. Budlender, D and Hewitt, G. *Engendering Budgets a Practitioners' Guide to Understanding and Implementing Gender-responsive Budgets*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2003.
18. Budlender, D. *Budget Call Circulars and Gender Budget Statements in the Asia Pacific: a Review*, New York: UN Women, 1<sup>st</sup> ed. 2015.

19. Chakraborty, L. *A Case Study of Gender Responsive Budgeting in India*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2013.
20. Chakraborty, L. *Fiscal Decentralisation and Gender Responsive Budgeting In Mexico: Some Observations*, Delhi: National Institute of Public Finance and Policy, 1<sup>st</sup> ed. 2006.
21. Elson, D. *Budgeting for Women's Rights: Monitoring Government Budgets for Compliance with CEDAW*, New York: UNIFEM, 1<sup>st</sup> ed. 2006.
22. Esim, S. *Impact of Government Budgets on Poverty and Gender Equality*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2000.
23. Klatzer, E and Ivanina, T. *Gender Responsive Budgeting: Analysis of Budget Programmes from Gender Perspective*, New York: UN Women Pub, 1<sup>st</sup> ed. 2016.
24. Mukherjee, A. *Empowering Women Panchayat Members*, Delhi: Concept Publishing Co., 1<sup>st</sup> ed. 2006.
25. NCPE (National Commission for the Promotion of Equality), *Gender Responsive Budgeting a study on GRB initiatives in Sweden, Switzerland, Italy, United Kingdom and France*, Hamrun: NCPE Pub., 1<sup>st</sup> ed. 2009.
26. Sharp, R. *Budgeting For Equity: Gender Budget Initiatives within a Framework of Performance Oriented Budgeting*, New York: UNIFEM, 2003.
27. UN, *Gender Mainstreaming an Overview*, New York: Office of the Special Adviser on Gender Issues and Advancement of Women, 1<sup>st</sup> ed. 2002.
28. Usuree, D. *Mainstreaming Gender in Debt and Development (New Gender Mainstreaming in Development Series)*, London: Commonwealth Secretariat, 1<sup>st</sup> ed. 2005.
29. WB (World Bank), *Global Monitoring Report 2007 Millennium Development Goals: Confronting the Challenges of Gender Equality and Fragile States*, Washington DC: World Bank, 1<sup>st</sup> ed. 2007.

#### Articles

30. Beveridge, F and Cengiz, F and Drywood, E. "Gender Mainstreaming, Gender Budgeting, and Monitoring in Post 2015 Gender Equality Policy", in *a New Strategy for Gender Equality Post 2015*, Brussels: European Parliament, 1<sup>st</sup> ed. 2014: 14-43.

31. Chakraborty, L. "Gender-responsive Budgeting as Fiscal Innovation: Evidence from India on 'Processes'", Working Paper, No. 797, New York: Bard College, 2014: 1-24.
32. Downes, R and von Trapp, L and Scherie N. "Gender Budgeting in OECD Countries", *OECD Journal on Budgeting*, Vol. 3, 2016: 1-37.
33. Fofana, I and Chatti, R and Corong, E. "Gender and Employment Impacts of Taxation Policy in the Middle East and North Africa: A Comparative Analysis of Algeria, Egypt, Morocco, and Tunisia", in *Women, Work and Welfare in the Middle East and North Africa: The Role of Socio-demographics, Entrepreneurship and Public Policies*, Nadereh Chamlou, Massoud Karshenas, London: Imperial College Press, 1<sup>st</sup> ed. 2016: 479- 501.
34. Holvoet, N. "Gender Budgeting in Belgium: Findings from a Pilot Project", *European Societies*, Vol. 9, No. 2, 2007: 275-300.
35. Patel, V. "Gender Budget and Public Health Approach: Addressing Gender-Violence in India", In *Gender-Based Violence and Public Health: International Perspectives on Budgets and Policies*, Keerty Nakray, London: Routledge, 1<sup>st</sup> ed. 2013: 30-40.
36. Steinhórsdóttir, F and Einarsdóttir, P and Heijstra, T and Pétursdóttir, M. "Money Talks: Gender Budgeting in the University of Iceland", *Icelandic Review Of Politics & Administration*, Vol. 12, No. 1, 2016: 171-194.
37. Wallisch, J. and Wozniak, B. "United in Diversity: Consequences for Common labor market Policies in the Time of Crisis", in *The Economic Crisis in Social and Institutional Context: Theories, Policies and Exit Strategies*, Sebastiano Fadda, Pasquale Tridico, London: Routledge, 1<sup>st</sup> ed. 2015: 178-200.

#### Documents

38. CEMR (Council of European Municipalities and Regions), "The European Charter for Equality between Women and Men in Local life", 2006.
39. COE (Council of Europe), "Gender Budgeting Final Report of the Group of Specialists on Gender Budgeting (EG-S-GB)", Strasbourg: Council of Europe, 2005.
40. ECOSOC (UN Economic and Social Council), "Mainstreaming the Gender Perspective into All Policies and Programmes in the United Nations System", A/52/3/Rev. 1, 1997.

41. European Parliament, “Budgets Definitive Adoption (EU, Euratom) 2020/227 of the European Union’s general budget for the financial year 2020”, Official Journal of the European Union, Vol. 63, 2020.
42. European Parliament. “Budgets Definitive Adoption (EU, Euratom) 2019/333 of the European Union’s general budget for the financial year 2019”, Official Journal of the European Union, Vol. 62, 2019.
43. Ukraine, “Law on Ensuring Equal Rights and Opportunities of Women and Men”, the Official Journal of the Verkhovna Rada of Ukraine (OJVR), No 52, 2005.
44. Ukraine, Constitution of Ukraine, 1996.
45. UN, “Beijing Declaration and Platform for Action”, adopted at the Fourth World Conference on Women, 1995.